

تغییرات جوی: تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی

سیدفضل‌الله موسوی *

معصومه سادات میرمحمدی **

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۲۴)

چکیده

بی‌شک، افزایش دمای کره زمین، پایه‌های اصلی حیات بشری را به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه در معرض خطر قرار خواهد داد؛ آسیب‌پذیری در برابر فقر و محرومیت اجتماعی را تشدید نموده و امنیت بشری را به مخاطره می‌اندازد. این تغییرات، همچنین بستر وقوع مخاصمات را بیش از پیش فراهم خواهد ساخت. بالا آمدن سطح دریاها و وقوع توفان‌ها و سیل‌ها در آینده‌نچندان دور، شهرها و مناطق صنعتی را که در طول سواحل چین، هند و ایالات متحده آمریکا قرار دارند تهدید خواهد کرد. ذوب یخ‌ها تأمین آب در مناطق نزدیک به کوه‌های آند و هیمالیا را دشوارتر می‌نماید. با توجه به این چشم‌انداز، شورای امنیت به‌عنوان رکن حافظ صلح و امنیت بین‌المللی در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ در نشست ۵۶۶۳ خود، اولین مذاکرات خود را در خصوص رابطه انرژی، امنیت و تغییرات جوی، به درخواست انگلستان آغاز نمود که در آن زمان ریاست شورا را بر عهده داشت. به‌نظر می‌رسد اقدام شورا در برگزاری این نشست، حاکی از ضرورت توجه به رابطه تغییرات جوی و امنیت بین‌المللی است. بنابراین، فرضیه مقاله حاضر، این است که مسئله تغییرات جوی با توجه به پیامدهایی که در سطح داخلی و بین‌المللی به‌دنبال دارد، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود و علت تشتت آرا در شورای امنیت در خصوص طرح این مسئله، ناشی از انتقاداتی است که بر پیکره قدرت و سیاست در عرصه بین‌المللی وارد می‌شود.

واژگان کلیدی

تغییرات جوی، امنیت بین‌المللی، کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای درحال توسعه، شورای امنیت، کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات جوی.

مقدمه

با آغاز انقلاب صنعتی در اوایل قرن نوزدهم میلادی و رشد روزافزون تحولات بشری، تغییرات گوناگونی نیز در زندگی انسان‌ها رخ داده است. نیاز بشر به انرژی و مصرف انواع سوخت‌های فسیلی نظیر زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی باعث افزایش شدید گازهایی مانند دی‌اکسید کربن در جو شده است. افزایش جمعیت کره زمین که باعث تغییر کاربری زمین، تخریب جنگل‌ها، افزایش فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و تولید ضایعات جامد و مایع شده نیز تبعات مختلفی به همراه داشته است. پدیده تغییر آب‌وهوا یا جو، یکی از این تبعات است. انسان‌ها با مصرف انرژی حاصل از سوخت‌های فسیلی و تولید بیش از حد گازهای گلخانه‌ای، توازن انرژی زمین را به هم می‌زنند. ادامه روند افزایش میزان تقاضا و مصرف انرژی در چند دهه آینده، تغییر کاربری زمین، گسترش فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و افزایش ضایعات جامد و مایع، پدیده گلخانه‌ای را در جو زمین تشدید خواهد کرد.^۱ «تغییرات جوی» به تغییر در شرایط و خصوصیات اقلیم یک محل در بلندمدت اطلاق می‌شود.^۲ همچنین طبق بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات جوی، «تغییر در جو، یعنی تغییری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اثر فعالیت‌های انسانی، منجر به تغییر در ترکیبات جو جهانی می‌شود. این تغییرات از تغییرات طبیعی در آب‌وهوا که در دوره‌های زمانی مشابه مشاهده می‌شود، متفاوت است».

تغییرات جوی اگرچه طی دهه‌های آینده، ظرفیت سازگاری بسیاری از جوامع را بالا می‌برد، پیامدهای آن، منجر به عدم ثبات و خشونت شده و امنیت ملی و بین‌المللی را به خطر خواهد انداخت. دمای سطح کره زمین در طول قرن بیستم بیش از ۰/۷ درجه سانتیگراد افزایش پیدا کرده، چنان‌که این دوره در طول ۱۳۰۰ سال اخیر، گرم‌ترین دوران برای این کره خاکی بوده و ژانویه ۲۰۰۰ تا دسامبر ۲۰۰۹ در سوابق به‌عنوان «گرم‌ترین دهه» ثبت شده است.^۳ از سوی دیگر، تعداد فجایع طبیعی از ۲۰۰ تا ۲۵۰ مورد در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ به حدود دو برابر در هفت سال اول قرن بیست‌ویکم رسیده است.^۴ آمارها نشان می‌دهد که این فجایع طی دو دهه اخیر نه‌تنها در شماره و تعداد، بلکه در میزان تخریب نیز سیر صعودی داشته است. بر اساس

۱. گازهای گلخانه‌ای (بخار آب، دی‌اکسید کربن، اکسید نیترو، متان، ازن جو پایین، کلروفلوئوروکربن‌ها، هیدروفلوئوروکربن‌ها، پرفلوئوروکربن‌ها) به‌طور طبیعی در جو زمین وجود دارد اما فعالیت‌های انسان‌ها و آلودگی‌های ناشی از این فعالیت‌ها، مقدار گازهای مذکور را به‌طور غیرطبیعی افزایش می‌دهد. در نتیجه، گرمای ناشی از تابش اشعه خورشید در جو زمین محبوس می‌شود و دمای کره زمین را بالا می‌برد.

۲. کاظمی‌زاد، مظفر، «تغییرات آب‌وهوایی و سلامت انسان»، مجله رشد (آموزش زمین‌شناسی)، ش ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۸.

۳. North American Space Agency, NASA Research Finds Last Decade was Warmest on Record, 2009 One of Warmest Years, Press release: 10-017, 21 January 2010, available at: http://www.nasa.gov/home/hqnews/2010/jan/HQ_10-017_Warmest_temps.html

۴. Red Cross/Red Crescent Climate Centre, Red Cross/Red Crescent Climate Guide, The Hague, 2007, p. 15.

بررسی‌های هیئت بین‌المللی در خصوص تغییرات جوی (IPCC) تا سال ۲۱۰۰ دمای میانگین کره زمین از ۱/۱ درجه سانتیگراد تا ۶/۶ درجه سانتیگراد خواهد رسید.^۵ ممکن است سطح آب دریاها تا یک متر افزایش پیدا کرده^۶ و در نهایت، منجر به وقوع سیل‌ها و خشکسالی‌های شدید و طولانی‌مدت شود.^۷

اگر مسئله تغییرات جوی به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت بشری شناخته شود می‌تواند جامعه بین‌الملل را در مقابله با آن، یکپارچه ساخته و موجب شود که این کل یکپارچه، از طریق ایجاد و پیگیری سازوکارهای همکاری در جهت برخورد با اثرات مخرب این تغییرات اقدام نماید؛ اما در غیر این صورت، تغییرات جوی به تعارضات و درگیری‌ها در عرصه روابط بین‌الملل، عمق بیشتری بخشیده و منجر به شروع مخاصمات بین‌المللی در و بین دولت‌ها بر سر توزیع منابع، به‌ویژه آب و زمین، و نیز مدیریت مهاجرت‌ها یا بحث جبران خسارت بین دولت‌هایی که مسئول اصلی تغییرات جوی به‌شمار می‌روند و کشورهایایی که متأثر از اثرات مخرب آن هستند، خواهد شد.

برای جلوگیری از پیشرفت اثرات زیان‌بار تغییرات جوی، باید یک خط‌مشی اساسی در سطح جهانی اتخاذ و به‌سرعت عملیاتی شود. برای نمونه، رژیم بین‌المللی تغییرات جوی باید تضمین نماید که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، که یکی از عوامل اصلی بروز این تغییرات است، تا اواسط قرن بیست‌ویکم، تا نصف آن چیزی که امروزه مشاهده می‌شود کاهش پیدا کند. این خط‌مشی بین‌المللی باید به‌طور موازی با تغییر در ساختار قدرت در نظم سیاسی جهان همراه شود. برخی معتقدند که در این زمینه اتحادیه اروپا باید نقش اصلی را در اقناع ایالات متحده آمریکا و نیز قدرت‌های جدید آسیایی نظیر چین ایفا نموده و آن‌ها را از ضرورت اتخاذ اقدامات منسجم برای جلوگیری از آثار مخرب تغییرات جوی آگاه سازد.

این مقاله با توجه به این واقعیت مسلم که تغییرات جوی در دهه‌های آتی به‌آرامی و به‌طور خزنده افزایش پیدا خواهد کرد، در صدد است که اولاً نشان دهد چگونه این تغییرات توانسته و می‌تواند از یک‌سو موجب تشدید بحران‌های محیط‌زیستی نظیر خشکسالی، بی‌آبی و از بین رفتن خشکی‌ها و از سوی دیگر، منجر به افزایش مخاصمات بر سر استفاده از زمین و آغاز مهاجرت‌های ناشی از بحران‌های زیست‌محیطی شود. در این مقاله ثانیاً تلاش بر این است که دلایل و ضروریات طرح این مسئله در دستور کار شورای امنیت و نظرات کشورهای مختلف در این باب مورد بررسی قرار گیرد.

5. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC), *Climate Change 2007: Synthesis Report: Contribution of Working Groups I, II and III to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change*, Core Writing Team, Rajendra K. Pachauri and Andy Reisinger (eds), IPCC, Geneva, 2008, p. 45.

6. K. Kleiner, "Climate Science in 2009", in *Nature*, vol. 4, January 2010, p. 4.

7. IPCC, "Climate Change 2007: Synthesis Report:" ...*op. cit.*, p. 46.

۱. تنوع پیامدهای تغییرات جوی

تغییرات جوی عموماً دارای آثار و تبعات یکسان نیست بلکه گاهی نظر به مناطق آب‌وهوایی مختلف در جهان، این تبعات، کاملاً متفاوت و حتی متضاد است.^۹ برای نمونه، گرم‌شدن جهان، همان‌طور که خطر سیل را افزایش می‌دهد، احتمال خشکسالی‌های طولانی‌مدت را هم تشدید می‌کند. تغییر الگوهای بارش برف و باران، تأثیرات شدید بالقوه‌ای روی محصولات کشاورزی خواهد گذاشت.^{۱۰} اولین نشانه‌های این مشکل در طول دهه ۷۰ بروز کرد، یعنی زمانی که الگوهای بارش که نقش بسزایی در کشاورزی منطقه جنوبی بیابان صحرا در آفریقا داشت، به تدریج رو به کاهش گذاشت. تداوم خشکسالی‌های بلندمدت نیز منجر به بروز قحطی در منطقه ساحل در همین ناحیه شده و در نهایت، قحطی اتیوپی در دهه ۸۰ را به دنبال داشت. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که این جهت‌گیری بارش‌ها به سمت مناطق شمال به دلیل آلودگی جو و گرم‌شدن زمین بوده است.^{۱۰}

پیامدهای ناشی از کاهش تولید غذا به لحاظ جهانی، به همراه فجایع طبیعی مرتبط با تغییرات جوی، اثرات زیان‌باری بر امنیت ملی و منطقه‌ای خواهد داشت که این آثار، بسته به توانایی دولت‌ها در حفظ توسعه اقتصادی و اجتماعی خود، متفاوت است.

در سطحی دیگر، بر اثر تغییرات جوی، ممکن است زیست‌بوم ماهی‌ها و ذخایر ماهی‌های اقیانوسی تغییر پیدا کند و این امر، زندگی ماهی‌گیران ساحلی را که حیاتشان به این ذخایر وابسته است، در معرض خطر قرار خواهد داد. یک نمونه عینی از چنین حوادثی در طول دهه ۹۰ روی داد که در آن آمریکا و کانادا به دلیل توقیف کشتی‌های ماهی‌گیری و وقوع تنش‌های بسیار، مذاکراتی در خصوص موافقت‌نامه ماهی‌های آزاد اقیانوس آرام انجام دادند که بیش از ۳ سال به طول انجامید. تغییرات جوی بی‌شک منجر به شیوع هرچه بیشتر این‌گونه تجربیات خواهد شد.^{۱۱}

از سوی دیگر، تغییر خطوط ساحلی بر اثر تغییر سطح آب‌ها، موافقت‌نامه‌های جهانی و دوجانبه در خصوص مسائل دریایی را در بوت‌ه آزمون خواهد گذارد. این موافقت‌نامه‌ها هر مسئله‌ای از ماهی‌گیری‌های ساحلی گرفته تا بهره‌برداری‌های نفتی را قاعده‌مند ساخته‌اند. برای نمونه، کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) طول منطقه انحصاری اقتصادی برای هر دولت ساحلی را ۲۰۰

۸. در خصوص پیامدهای زیست‌محیطی تغییرات جوی، ن.ک: کاظمی‌زاد، مظفر، همان، صص ۱۹-۲۰.

۹. United Nations Foundation and Sigma XI, "Confronting Climate Change: Avoiding the Unmanageable and Managing the Unavoidable", Scientific Expert Group Report on Climate Change and Sustainable Development, Prepared for the 15th UN Commission on Sustainable Development, UNF, Washington, DC., 2007.

۱۰. NOVA, Dimming the Sun, A DOX Production for NOVA/WGBH and BBC, WGBH Educational Foundation, April 2006.

۱۱. M. Kimble, "Climate Risks and Security", in: F. Dodds, Andrew Higham and Richard Sherman (editors), "Climate Change and Energy Insecurity: The Challenge for Peace, Security and Development", Earthscan, 2009, p.148.

مایل می‌داند. حال اگر خطوط ساحلی ناپدید شود، مناطق انحصاری اقتصادی نیز تغییر پیدا خواهد کرد و این امر، بستری را برای بروز اختلافات در خصوص مناطق ماهی‌گیری و احتمالاً نفت و منابع کانی فراهم می‌آورد. عاملی که این وضعیت را دشوارتر می‌کند این است که برخی دولت‌ها از جمله آمریکا این کنوانسیون را تصویب نکرده‌اند. در نتیجه این کشور ممکن است توان نظامی و دریایی خود را برای حل مسائل صلاحیتی به کار گیرد. دیگر دولت‌ها نظیر روسیه نیز ممکن است این اقدامات را بی‌پاسخ نگذاشته و این منجر به افزایش تنش‌ها و مخاصمات احتمالی شود. همچنین با توجه به اینکه منابع به‌صورت بالقوه در معرض کاهش است، امکان دارد مسائل صلاحیتی در خصوص برخی مناطق خاص بیشتر شود. در هر صورت، اینکه آیا دولت‌ها برای حل این مسائل، به مذاکره روی می‌آورند یا به درگیری‌های نظامی، در آینده روشن خواهد شد.

۱-۱. تهدید امنیت انسانی و حقوق بشر

ممکن است تغییرات جوی، امنیت بشری را در معرض تهدید قرار داده و بدین ترتیب منجر به نقض حقوق بشر شود. کاهش و افزایش شدید دما، افزایش تأثیرات اجتماعی جوی و عدم کفایت مهاجرت‌های ناشی از تغییرات جوی و انتشار بی‌رویه دی‌اکسیدکربن، موجب می‌شود که کشورهای صنعتی‌شده و در آینده، اقتصادهای شناوری نظیر چین به‌عنوان ناقضان جدید حقوق بشر به‌شمار روند. بنابراین به نظر می‌رسد سازمان ملل در آینده، بیشتر روی مسئله تأثیر تغییرات جوی بر حقوق بشر متمرکز خواهد شد. اگرچه واقعیت این است که مردمی که کمترین نقش را در شکل‌گیری این اوضاع دارند، بیشترین بار را تحمل می‌کنند،^{۱۲} این پیامدها صرفاً کشورهای در حال توسعه را دچار نخواهد کرد. صرف‌نظر از پیامدهایی که مهاجرت‌های زیست‌محیطی برای کشورهای توسعه‌یافته به‌دنبال خواهد داشت، تغییرات جوی روزافزون، منجر به سقوط کشورهای صنعتی در بحران‌های ناشی از حاکمیت قانون و حقوق بشر شده و از دامنه عملکرد آن‌ها در سطوح بین‌المللی خواهد کاست. بنابراین تغییرات جوی نه‌تنها کشورهای در حال توسعه (کشورهای جنوب) بلکه کشورهای صنعتی و سرمایه‌دار (به اصطلاح کشورهای شمال) را نیز درگیر خواهد نمود.

تغییرات جوی به‌ویژه در مناطق فقیر جهان، پیامدهای منفی برای بهداشت جهانی به‌دنبال خواهد داشت. این مناطق نه‌تنها برای بیماری‌های ناشی از این تغییرات مستعد است، بلکه کمبود غذا و منابع آب نیز احتمال بروز بیماری را افزایش می‌دهد. بنابراین تغییرات جوی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم روی بهداشت و سلامت جوامع تأثیر خواهد گذاشت. نتایج حاصل از این رویدادها دولت را مجبور می‌کند هزینه بیشتری را صرف سلامت کند که در نتیجه، سایر اولویت‌ها حذف می‌شود. صرف‌نظر از تحمیل این هزینه‌های گزاف، منابع درآمد این کشورها نظیر

۱۲. رابینسون، مری، «تغییرات جوی و نقض حقوق بشر»، مجله سیاحت غرب، ش ۷۰، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷.

درآمدهای حاصل از صنعت گردشگری نیز به شدت افت پیدا خواهد کرد.

۲-۱. عدم تعادل و ثبات در منابع آب و انرژی

در طول سه دهه آینده، تغییرات جوی و تشدید کمبود آب، زیربناها و زیرساخت‌های کشاورزی را دچار اختلال می‌نماید و در نتیجه وقوع تنش‌ها در و بین دولت‌هایی که تجربه کمبود منابع آب را داشته‌اند، افزایش می‌یابد. کشورهایی که از منابع آبی زیادی برخوردارند ممکن است از این امتیاز برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک استفاده کنند.

منابع آب، با حاکمیت و حیات اقتصادی بسیاری از کشورها ارتباط نزدیک یافته است. بر اساس حقوق بین‌الملل، کشورها بر رودخانه‌هایی که از درون خاک آن‌ها عبور می‌کنند حق حاکمیت دارند. مشکل هنگامی بروز می‌کند که رودخانه‌ای از چند کشور عبور کند. در این صورت هر کشور بر بخشی از رودخانه که در خاک آن کشور است حاکمیت دارد و در اجرای طرح‌های عمرانی به شرط آنکه موجب کاهش یا قطع جریان آب به کشورهای دیگر نشود، آزاد است. در غیر این صورت، ممکن است اختلاف‌نظرها به جنگ بینجامد. تغییرات آب‌وهوایی و وقوع خشکسالی در بعضی کشورها، احتمال ازدیاد این‌گونه درگیری‌ها را افزایش خواهد داد.^{۱۳}

همچنین ممکن است تغییرات جوی روی سیاست‌های بین‌المللی تولید و مصرف انرژی تأثیر بگذارد. کشورهای صادرکننده نفت و گاز طبیعی، به‌ویژه روسیه، ممکن است از جایگاه ژئوپولیتیکی خاصی نسبت به کشورهای واردکننده سوخت در اروپا برخوردار شوند. در نتیجه هر کشور واردکننده نفت یا گاز که مصرف انرژی بالایی دارد، در معرض آسیب قرار گرفته و مجبور خواهد شد دشواری تغییر سوخت‌های جایگزین را تحمل کند. ممکن است زیرساخت‌های انرژی نیز آسیب‌پذیر شود و تولید برق به شدت تحت تأثیر کاهش جریان آب قرار گیرد. ممکن است روند سردکردن ماشین‌آلات هسته‌ای به دلیل کمبود منابع آب دچار مشکل شود.^{۱۴}

در همین راستا روی آوردن به انرژی هسته‌ای به‌عنوان سوختی جایگزین برای سوخت‌های فسیلی کربن‌زا نیز از یک سو با حساسیت‌های بین‌المللی خاص خود روبه‌رو است و از سوی دیگر ممکن است دست‌آویزی برای اهداف سیاسی قدرت‌های بزرگی شود که در صدد مرتبط‌ساختن آن با امنیت هسته‌ای و دامن‌زدن به بحث اشاعه هسته‌ای هستند.

۱۳. امیدوارنیا، محمدجواد، امنیت در قرن بیست‌ویکم، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵.

14. K. M. Campbell, & R. Weitz, "Conclusion: The Clear Implications of Global Climate Change", in: K. M. Campbell, (editor), Climatic Cataclysm: The Foreign Policy and National Security Implications of Climate Change, p. 219.

۱-۳. تهدید تعادل و ثبات اقتصادی

تغییرات جوی، منجر به افزایش تعداد دولت‌های ضعیف و فقیر خواهد شد؛^{۱۵} به‌ویژه آنکه دولت‌های ضعیف از ظرفیت‌های کافی برای تضمین و تأمین زیرساخت‌های اصلی یک دولت بهره‌مند نیستند. جامعه بین‌المللی نیز تا کنون در ارائه منابع مالی لازم در جهت حمایت از ثبات پایدار این کشورها کوتاهی نشان داده است.

تغییرات جوی، شرایط تولید منطقه‌ای و تأمین زیرساخت‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. کمبود آب منطقه‌ای، مانع از توسعه کشاورزی و دیگر بخش‌های وابسته به آب خواهد شد. خشکسالی و کاهش خشکی‌ها در اثر بالا آمدن سطح آب‌ها، منجر به کاهش شدید زمین‌های کشاورزی می‌شود. حوادث شدید دیگری نظیر توفان‌ها و سیل‌ها، مراکز صنعتی، حمل‌ونقل، تأمین و تولید زیرساخت‌ها را در مناطق ساحلی در معرض خطر قرار می‌دهد و شرکت‌ها را وادار می‌سازد که یا جابه‌جا شوند یا مراکز تولیدی را ببندند. این اثرات بر روی اقتصاد، بسته به نوع و شدت تغییرات جوی، متفاوت است. تغییرات جوی در حوزه اقتصاد، بر روی نرخ‌های رشد تأثیر گذاشته و احتمالاً منجر به کاهش آن خواهد شد. بی‌شک چنین روندی از دامنه رشد اقتصادی در سطح داخلی و بین‌المللی خواهد کاست.

برخی استدلال می‌کنند که باید امنیت محیطی را با امنیت اقتصادی به‌طور یک‌جا در نظر گرفت. تقریباً همه این مسئله را پذیرفته‌اند که همان طور که خواهد آمد، ممکن است خسارات وارده به زیست‌بوم‌ها، در بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و تنش‌های فراملی نقش داشته باشد. به‌عبارتی تأثیر زوال محیط‌زیست بر امنیت ملی را باید در سیمای به‌هنگام رفتن عملکرد اقتصادی و کاهش ثبات سیاسی دید. غالباً علت اصلی این آشوب‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد و حکومت‌ها خود را سرگرم مقابله با فقر و بی‌ثباتی می‌کنند که نتیجه این عامل است.^{۱۶} در واقع برای اکثر کشورهای در حال توسعه، پیشرفت و توسعه اقتصادی از اولویت بیشتری برخوردار بوده و آن‌ها به فرسایش و تخریب محیط‌زیست به‌عنوان پیامد نامطلوب اما قابل تحمل توسعه اقتصادی و صنعتی می‌نگرند. به اعتقاد این دسته از کشورها، فقرزدایی به‌عنوان اولویت اصلی آن‌ها تنها از طریق رشد

۱۵. از منظر دیگر، افزایش تعداد دولت‌های ضعیف و در حال افول که می‌توانند پایگاه مناسبی برای تروریسم جهانی باشند، به گسترش تروریسم کمک خواهد کرد. مثلاً اندونزی، پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان، با گروه‌های افراطی متعدد، جنبش‌های جدایی‌طلب با دموکراسی شکننده و با بی‌ثباتی سیاسی مواجه است که با جنگل‌های غنی خود در برابر تغییرات آب‌وهوایی آسیب‌پذیر است و اگر در برابر این تغییرات، واکنش‌های ضعیفی از خود نشان دهد، ممکن است موجب تشویق گروه‌های افراطی برای به چالش کشیدن دولت و ضربه‌زدن به منافع دنیای غرب شود ... شرایط رو به زوال اقتصادی و اجتماعی، گروه‌های سیاسی رادیکال و ناامنی‌های زیست‌محیطی می‌تواند منجر به تحقق آشفتگی‌های عمیقی شود؛ رومی، فرشاد، «امنیت نظام بین‌الملل در پرتو تغییرات آب و هوایی»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳، ۱۳۸۷، ص ۷۸۳.

۱۶. همان، ص ۷۷۰.

مستمر اقتصادی امکان‌پذیر بوده و بنابراین بر جنبه اقتصادی توسعه تأکید داشته و آن را لازمه و مبنای ضروری هرگونه پیشرفت و حفظ محیط‌زیست می‌دانند.^{۱۷}

۱-۴. نقش بالقوه تغییرات جوی در وقوع مخاصمات داخلی و بین‌المللی

ممکن است پیامدهای متفاوت تغییرات جوی در حوزه‌های مختلف، بستر وقوع درگیری و مخاصمه را در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم آورد. این پیامدها تأثیرات متفاوتی روی هر دولت خواهد داشت. شاید برخی دولت‌ها برای مواجهه با نیازهای داخلی، نیازمند مساعدت‌های بهداشت عمومی بوده و برخی دیگر به دلیل تغییرات غیرمنتظره در رژیم تجارت جهانی، شاهد محدودیت‌هایی در صادرات خود باشند. ممکن است برخی دولت‌ها در برابر همسایه قدرتمند خود که خواهان منابع آن‌ها است آسیب‌پذیر شوند. به همین ترتیب و در طول مدتی طولانی، تأثیرات منطقه‌ای بسیار متفاوت تغییرات جوی می‌تواند روی توزیع جهانی قدرت تأثیر بگذارد و پیامدهای غیرمنتظره‌ای در انتظار امنیت بین‌المللی باشد.

الف) ایجاد بستر برای مخاصمات بین‌المللی

یکی از پیامدهای تغییرات جوی که به نظر می‌رسد بستر مخاصمات بین‌المللی را فراهم آورد، مسئله مهاجرت‌های فرامرزی است. این مسئله همواره یک معضل اصلی و در واقع حل‌نشده در اختلافات بین‌المللی بوده است. تغییرات جوی و تأثیرات اجتماعی حاصل از آن در افزایش جمعیت متمرکز در یک منطقه و در نتیجه، بر افزایش تعداد مهاجرت‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. از سویی با توجه به فقدان قواعد و مقررات خاصی در خصوص این نوع مهاجرت‌ها که می‌توان آن را مهاجرت‌های زیست‌محیطی خواند، ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای مخاصمات بین‌المللی به وجود می‌آید. افزایش چشمگیر تعداد پناهندگان جوی یا به عبارت دیگر، «این فراریان آفتاب و باران»^{۱۸} منجر به بروز تنش‌های بیشتر یا مخاصمات خشونت‌بار بین کشورها در خصوص مهاجرت‌های کنترل‌نشده خواهد شد. احتمالاً این مهاجرت‌های گسترده، در مدتی کوتاه، برای کشورهای میزبان این پناهندگان مشکل‌ساز می‌شود. امکان دارد که واکنش نسبت به بحران‌های ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی، تعارضات مذهبی رو به تزاید، و وقوع خشونت‌های احتمالی و بزهکاری از سوی گروه اقلیت و

۱۷. معینی میدی، حسین، «توسعه و محیط‌زیست: محوری جدید در تبیین معادلات سیاسی بین‌المللی»، در: ظریف، محمدجواد و مصطفی زهرانی، روندهای جدید بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۴.

۱۸. رومی، همان، ص ۷۸۱.

مهاجر، تنش‌های همیشگی ناشی از مهاجرت را وخیم‌تر سازد.^{۱۹} اختلافات بر سر جبران خسارت‌ها و تأمین مالی نهادهایی که به‌منظور مدیریت بحران‌های ناشی از حضور پناهندگان به‌وجود می‌آیند نیز خود نقش بالقوه‌ای را در تشدید این وضعیت ایفا خواهد کرد. اگر افزایش دمای کره زمین همچنان ادامه یابد، مهاجرت‌های زیست‌محیطی، یکی از زمینه‌های اصلی مخاصمات بین‌المللی را فراهم خواهد آورد.

افزایش تنش‌های سیاسی را نیز می‌توان عامل دیگری در بروز درگیری و ناامنی میان کشورها دانست. در واقع کشورهای درحال توسعه عموماً به‌دلیل عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های پاسخ‌گویی مناسب به وقایعی که به‌طور هم‌زمان یا مداوم و در مقیاس وسیع روی می‌دهد، از تأثیرات زیان‌بار تغییرات جوی بیشتر رنج می‌برند؛ درعین حال کشورهای صنعتی که ظاهراً توان رویارویی با این تغییرات را دارند نیز با مسائل و مشکلات دیگری روبه‌رو خواهند شد. کوتاهی کشورهای اخیر که با استفاده بیشتر از سوخت‌های فسیلی مسئولیت بیشتری نیز در تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو دارند، در یاری‌رساندن به کشورهای درحال توسعه برای مدیریت چالش‌های تغییرات جوی، خود منجر به افزایش هرچه بیشتر تنش‌های آتی جنوب - شمال خواهد شد.^{۲۰}

بدین‌سان خطر بروز مخاصمات نابرابر بین کشورهایی که منشأ اصلی تغییرات جوی به‌شمار می‌روند و کشورهایی که بیشترین تأثیر را از این تغییرات متحمل شده و قربانی اصلی به‌شمار می‌روند، افزایش پیدا می‌کند. تغییرات جوی اساساً در اثر عملکرد کشورهای صنعتی و کشورهای درحال صنعتی‌شدن به‌وجود می‌آید. کشورهای متأثر از تغییرات جوی احتمالاً خواهان دریافت خسارت از کشورهای آلوده‌کننده خواهند بود چنان‌که مواردی نیز در این خصوص تا کنون دیده

۱۹. برای نمونه، چالش همیشگی اروپا، یکپارچه‌شدن مهاجرین مسلمان و اثرات آن بر روی افراط‌گرایی است. اروپا که اقامتگاه بیش از ۲۰ میلیون مسلمان است، در سال‌های اخیر تلاش نموده تا گروه‌های درحال رشد خارجی را در درون جامعه ادغام نماید. اما بسیاری از مهاجرین اروپایی به زندگی در اجتماعات موازی که مولد از خودبیگانگی هستند ادامه داده و بیشتر در معرض ایدئولوژی‌های رادیکال قرار می‌گیرند. بنابراین، همچنان که بر تعداد مهاجرین زیست‌محیطی افزوده می‌شود، شمار مردم اروپا که شدیداً تحت حمایت دولت‌هایشان هستند درحال کاهش است و این خود واکنش‌ها و خشونت‌هایی را برمی‌انگیزد: رومی، فرشاد، همان، ص ۷۸۳.

۲۰. بان‌کی‌مون، دبیرکل ملل متحد در اظهارات خود به شورای امنیت در ۷ ژوئیه ۲۰۱۰ اذعان داشت: «مخاصمه مسلحانه غالباً در نتیجه فقدان حاکمیت مؤثر، رقابت بر سر منابع، اختلافات فرقه‌ای، تغییرات جوی، افزایش بیابان‌ها و عوامل دیگری است که در بروز مخاصمات نقش دارد»:

Secretary-General, SG/SM/13003, SC/9974, 7 July 2010, available at: <http://www.un.org/News/Press/docs/2010/sgsm13003.doc.htm>

جان رید، وزیر دفاع سابق انگلستان نیز به ارتباط میان خطرات مخاصمات خشونت‌بار، تغییرات جوی و فقدان دسترسی به منابع آب اشاره کرده است:

B. Russell and N. Morris, *Armed Forces are Put on Standby to Tackle Threats of Wars over Water*, in *The Independent*, online edition, 28 February 2006, available at: <http://www.independent.co.uk/environment/armed-forces-are-put-on-standby-to-tackle-threat-of-wars-over-water-467974.html>

شده است.^{۲۱} بنابراین یک جدال بین‌المللی در خصوص رژیم جبران خسارت برای تغییرات جوی به وجود خواهد آمد. علاوه بر کشورهای صنعتی امروز، کشورهایی که دارای اقتصاد رو به رشدی هستند نظیر چین و هند و برزیل نیز در اشاعه گازهای گلخانه‌ای نقش فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند. بنابراین یکی از مشخصاتی که قرن ۲۱ شاهد آن خواهد بود مشخصات بین کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته از یک سو و کشورهای در حال صنعتی‌شدن و کشورهای فقیر در حال توسعه از سوی دیگر است. در حال حاضر به نظر نمی‌رسد جامعه بین‌المللی آمادگی برای این مشخصات داشته باشد.

(ب) افزایش مشخصات و ناامنی‌های داخلی

پیامدهای اجتماعی تغییرات جوی به احتمال زیاد منجر به افزایش ناکامی دولت‌ها در تأمین ثبات و امنیت و در نتیجه وقوع مشخصات متعدد و پراکنده داخلی خواهد شد. مشخصات داخلی پی در پی، قصور سیستم‌های مدیریت بحران بعد از فجایع طبیعی گسترده و شدید و افزایش مهاجرت‌های زیست‌محیطی، بی‌شک بدون حمایت از سوی پلیس و ظرفیت‌های نظامی، غیرقابل کنترل و مدیریت است و بنابراین سیستم امنیتی کشور را به چالش خواهد کشید. در این زمینه همکاری منسجم بین توسعه و امنیت بسیار سخت خواهد بود چون مدیریت مشخصات داخلی و بازسازی شرایط مطلوب سابق (البته اگر چنین شرایطی وجود داشته باشد)، منوط به وجود حداقلی از امنیت است. از سوی دیگر، تجربیات اسفبار حاصل از افزایش مشخصات داخلی در طول دهه ۹۰ و حجم وسیعی از نیروهای مجهز نظامی که به‌منظور ثبات و ایجاد صلح برای جوامع ضعیف و ناپایدار باید به کار گرفته شود، حاکی از ناکارآمدی ظرفیت‌های امنیتی سنتی است.

یک نمونه قابل توجه در خصوص تأثیر تغییرات جوی در بروز مخاصمه، وضعیت سودان است. بر اساس نظر برنامه محیط‌زیست ملل متحد (UNEP)، تغییرات جوی که باعث کاهش بارندگی در دارفور و در نهایت، منجر به کاهش تولیدات کشاورزی در این منطقه شده است در وقوع این مخاصمه نقش داشته است.^{۲۲}

ممکن است تغییرات جوی، تأثیرات عمیقی روی اعتبار و کارایی دولت‌ها داشته باشد. مقامات سیاسی که نمی‌توانند چالش‌های ناشی از این تغییرات را مدیریت کنند، حمایت مردم را از دست خواهند داد. ممکن است مردم در برخی موارد برای براندازی حکومت‌ها به روش‌های خشونت‌آمیز

۲۱. در خصوص این دعاوی، ن.ک:

T. Stephens, "International Courts and Climate Change: Progression, Regression and Administration, in: Lyster, Rosemary(ed.), *Revelling in the Wilds of Climate Change Law*, Australian Academic Press, 2010; available at: papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1487866

۲۲. UNEP, Sudan: Post-Conflict Environmental Assessment, 2007, p. 84, available at: http://postconflict.unep.ch/publications/UNEP_Sudan.pdf

توسل جویند به‌ویژه زمانی که فرصت تغییر رهبران از طریق انتخابات، مشروط و محدود باشد. در مواردی حتی ممکن است مردم به گروه‌های غیردولتی نظیر جنبش‌های مذهبی یا گروه‌های تروریستی روی بیاورند.

در واقع جوامعی که در حال گذار از حکومت استبدادی به دموکراسی هستند بیش از دیگر دولت‌ها در برابر بحران‌ها و مخاصمات، آسیب‌پذیرند. بنابراین جوامع مذکور، در برابر تغییرات جوی، شکننده و آسیب‌پذیرتر بوده و این تغییرات در طول دوره گذار، آن‌ها را تحت فشار مضاعفی قرار خواهد داد.

۲. تغییرات جوی در دستور کار شورای امنیت

در نیمه اول سال ۲۰۰۷ هیئت بین‌الدولی تغییرات جوی،^{۲۳} خلاصه چهارمین گزارش ارزیابی را که سه کارگروه، به‌منظور کمک به سیاست‌گذاران این هیئت فراهم کرده بودند منتشر نمود.^{۲۴} برخی از یافته‌های گروه کاری شماره ۲ با عنوان «تأثیرات، سازگاری‌ها و آسیب‌پذیری‌ها» حاکی از این بود که در صورت عدم توقف تغییرات جوی، ممکن است تأثیرات منفی آن، روی محیط‌زیست نظیر بال‌آمدن سطح آب‌ها، بیابان‌زایی یا فرسایش یخچال‌های طبیعی در آینده منجر به درگیری‌ها و مخاصمات خشونت‌باری شود.^{۲۵}

اما این تأثیرات در واقع تنها به مثابه نوک یک کوه یخی هستند که قسمت اعظم آن، زیر آب‌ها پنهان است. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد اگر تأثیرات منفی تغییرات جوی با مؤلفه‌هایی همچون عدم ثبات سیاسی، اجتماعی و نظامی همراه شود، نتیجه‌ای جز تشدید مخاصماتی که از سال‌ها پیش در جریان بوده، یا وقوع مخاصمات جدید نخواهد داشت. اما صرف اینکه برخی نویسندگان، تغییرات جوی را به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ارزیابی کرده‌اند باعث نشد که این مسئله در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد. در واقع می‌توان گفت سه عامل اصلی در پیشبرد فرایند طرح این موضوع نزد ارگان اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در ملل متحد نقش داشته‌اند: اول تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی طی دهه گذشته، دوم تمرکز ویژه روی پیشگیری از وقوع مخاصمات در چارچوب تدابیر توسعه‌ای و امنیتی، و سوم نقش برجسته انگلیس به‌عنوان ریاست شورای امنیت در این موضوع خاص.

23. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)

24. برای ملاحظه خلاصه ارزیابی‌های کارگروه شماره ۱ (مبانی علمی و فیزیکی)، کارگروه شماره ۲ (تأثیرات، سازگاری‌ها و آسیب‌پذیری‌ها) و کارگروه شماره ۳ (کاهش تغییرات جوی) که در راستای کمک به سیاست‌گذاری‌ها به هیئت بین‌الدولی تغییرات جوی ارائه شده است، ن.ک:

<http://www.ipcc.ch/>

25. The IPCC Working Group Contribution to the Fourth Assessment Report. Climate Change 2007: *Climate Change Impacts, Adaptation and Vulnerability*, Summary for Policymakers, 6 April 2007; available at: <http://www.ipcc.ch/SPM13apr07.pdf>

۱-۲. تحول مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین دلیل برای طرح موضوع تغییرات جوی به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تحولاتی است که در سال‌های اخیر در مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی به‌وجود آمده است. دولت‌ها تا پایان جنگ سرد، عموماً مفهوم مضیقی از صلح و امنیت بین‌المللی را مدنظر داشتند که به مخاصمه بین دولت‌ها اختصاص پیدا می‌کرد. اما شورای امنیت در سال ۱۹۹۲ امکان تلقی تهدیدهای غیرنظامی به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی را نیز به رسمیت شناخت.^{۲۶}

در سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه ملل متحد^{۲۷} در مذاکرات خود به‌جای بحث امنیت بین‌المللی به امنیت بشری پرداخت و بدین‌ترتیب به جای تمرکز روی امنیت دولت‌ها، توجه خود را به امنیت و رفاه انسان‌ها معطوف داشت.^{۲۸} در طول سال‌های دهه نود، مفهوم امنیت زیست‌محیطی نیز در کنار مفهوم امنیت انسانی شکل گرفته و بسیاری از نویسندگان به تبیین رابطه میان فرسایش محیط‌زیست و وقوع مخاصمات خشونت‌بار پرداختند.^{۲۹} با این‌همه تا سال ۲۰۰۰ به‌طور خاص، هیچ تهدید غیرنظامی در دستور کار شورای امنیت قرار نگرفته بود.^{۳۰} در این سال مسئله ویروس ایدز به‌عنوان یک تهدید امنیتی برای جامعه بین‌الملل مورد شناسایی قرار گرفت و قطعنامه‌ای در خصوص آن صادر شد.^{۳۱} صدور این قطعنامه، راه را برای بررسی سایر تهدیدهای غیرنظامی توسط شورای امنیت به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی، باز کرد. بنابراین جای تعجب نیست که چرا هیئت عالی‌رتبه در خصوص تهدیدها، چالش‌ها و تغییرات که به‌منظور تعریف دوباره مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی از سوی دبیرکل ملل متحد تشکیل شد، فرسایش و تحلیل زیست‌محیطی را به‌مثابه تهدیدی بالقوه برای امنیت بین‌المللی مورد شناسایی قرار داد.^{۳۲} در گزارش هیئت مذکور، تغییرات جوی به‌عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های زیست‌محیطی شناخته

۲۶. ریاست شورای امنیت در نشست ۳۰۴۶ خود در سال ۱۹۹۲ اظهار داشت: «فقدان جنگ و مخاصمات نظامی میان دولت‌ها به‌تنهایی ضامن صلح و امنیت بین‌المللی نیست. ریشه‌های غیرنظامی عدم ثبات در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و بشردوستانه نیز به تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تبدیل شده است»:

UN Doc. S/23500, UN SCOR, 3046th Meeting, 1992, p. 3.

۲۷. The United Nations Development Program (UNDP)

۲۸. "Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security", Oxford 1994, p. 24 f.

۲۹. Diehl/Gleditsch (eds.), "Environmental Conflict", Boulder 2001; H. Dixon, "Environment, Scarcity and Violence", Princeton 1999; Barnett, *The Meaning of Environmental Security*, Zed Books 2001.

۳۰. "The Responsibility of the Security Council in the Maintenance of International Peace and Security: HIV/AIDS and International Peacekeeping Operations", UN Doc. S/PV.4172, 17 July 2000, and "The Situation in Africa: The Impact of AIDS on Peace and Security in Africa", UN Doc. S/PV.4087, 10 January 2000.

۳۱. UN Doc. UN/S/RES/1318(2000), 7 September 2000 (On Ensuring an Effective Role for the Security Council in the Maintenance of International Peace and Security, particularly in Africa).

۳۲. "High-Level Panel on Threats, Challenges and Change, A More Secure World: Our Shared Responsibility", New York 2004, Part B, Synopsis.

شد که جامعه بین‌الملل در حال حاضر با آن روبه‌رو است.^{۳۳}

علی‌رغم ابهامات در ابعاد مختلف امنیت، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که با توجه به رویه شورای امنیت، تهدیدات امنیتی را می‌توان در پنج بُعد مختلف مورد بررسی قرار داد: الف) تهدیدات سیاسی؛ تهدیدات سیاسی در سطح داخلی به مسائلی چون فقدان دموکراسی و بی‌ثباتی حکومت‌ها اشاره دارد. اما در سطح بین‌المللی ساختار بی‌نظم نظام بین‌الملل، منشأ تهدید تلقی می‌شود. با توجه به نبود قدرت مرکزی برتر، قدرت مسلط به‌منظور پیگیری منافع خود به‌انحاء مختلف در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت می‌کند. این دخالت نیز نظام بین‌المللی را بحرانی می‌سازد؛ ب) تهدیدات اقتصادی؛ فقر و توسعه‌نیافتگی مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی است که ممکن است ناشی از سوءمدیریت نظام سیاسی داخلی باشد یا از تخصیص ناعادلانه ثروت جهان در سطح بین‌المللی نشأت بگیرد. نظریه‌پردازانی چون *آندره گوندر فرانک* یا *امانوئل والرشتاین* معتقدند که ساختار نظام بین‌الملل که قدرت‌های اقتصادی برتر جهان، طراح اصلی‌اش بوده‌اند، به شکلی است که در آن، مرکز به‌صورت مستمر، پیرامون را استثمار می‌کند. آن‌ها پدیده‌هایی چون شرکت‌های چندملیتی را نیز نمایندگان استثمار جدید می‌دانند که نیروی کار، منابع و بازار کشورهای پیرامونی را به انحصار خود درآورده و استثمار می‌نمایند؛^{۳۴} ج) تهدیدات اجتماعی؛ تهدیدات اجتماعی و فرهنگی عمدتاً ریشه در تهدیدات اقتصادی دارد و از طرف دیگر نیز با تهدیدات سیاسی ارتباط پیدا می‌کند. معضلاتی چون مهاجرت‌های بی‌رویه غیرقانونی، بی‌سوادی، مواد مخدر، جرم و جنایت و بزهکاری، فساد و ... چالش‌هایی است که هرچند توجه کمتری به آن‌ها شده است، امکان زیادی برای رشد دارد. اکثر این بحران‌ها ریشه اقتصادی یا سیاسی دارند و می‌توانند به‌صورت تهدیدات سیاسی و اقتصادی تأثیر بگذارند؛ د) تهدیدات نظامی؛ مداخلات نظامی و اقدامات تجاوزکارانه، بارزترین مصادیق تهدیدات نظامی است؛ د) تهدیدات زیست‌محیطی؛ این تهدیدات به معضلاتی چون سوراخ‌شدن لایه اوزون، گرم‌شدن تدریجی کره زمین، ازبین‌رفتن تدریجی جنگل‌ها، خشک‌شدن رودخانه‌ها، آلودگی آب رودخانه‌ها و دریاها به مواد شیمیایی، خشکسالی‌ها و ... اشاره دارد که در

بروز بسیاری از آن‌ها خود انسان به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقش داشته است.

کلیه این تهدیدات با هم در تعامل بوده و بر هم تأثیر می‌گذارند و غالباً مقوم همدیگرند. بنابراین در مدیریت این تهدیدات و رفع آن‌ها نیز نباید به یکی از آن‌ها محدود شد. در این راستا سیاست‌گذاری‌ها نیز باید در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی تعریف شوند. نکته‌ای که همه محققان بر آن تأکید دارند این است که اقدام انفرادی در رفع تهدیداتی که بُعد جهانی دارند، چندان ثمربخش نخواهد بود. رفع معضلات جهانی نیازمند

33. *Ibid.*, para. 53.

34. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۳۴.

همکاری‌های جهانی است. امنیت جهانی مستلزم اقداماتی فراتر از مرزهای دولت‌هاست زیرا امروز صیانت از انسان‌ها به درون حاکمیت‌ها محدود نمی‌شود. بنابراین هیچ نهاد یا گروهی نمی‌تواند در قبال ناامنی دیگران بی‌تفاوت باشد.^{۳۵}

۲-۲. تمرکز ویژه روی پیشگیری از وقوع مخاصمات در چارچوب تدابیر توسعه‌ای و امنیتی

شورای امنیت در سال ۲۰۰۵ ارتباطی میان بحث توسعه پایدار و پیشگیری از وقوع مخاصمات برقرار کرد. این شورا در مقدمه قطعنامه ۱۶۲۵ خود مقرر می‌دارد: «ضمن تأکید بر ضرورت اتخاذ راهکارهایی در جهت پیشگیری از مخاصمات که به‌طور جامع به دلایل اصلی وقوع مخاصمات مسلحانه و بحران‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازند، از جمله ارتقای توسعه پایدار...»^{۳۶} تفسیر موسع این قطعنامه شورا حاکی از آن است که اولاً، پیشگیری از وقوع مخاصمات برای برقراری و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است؛ ثانیاً، ارتقای توسعه پایدار در میان این راهکارها عنصری کلیدی به‌شمار می‌آید؛ ثالثاً، حل معضل تغییرات جوی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای روی توسعه پایدار تأثیر مثبت خواهد گذاشت. در مقابل اگر مسئله تغییرات جوی به‌طور جدی مورد بررسی قرار نگیرد، پیامدهای زیست‌محیطی روزافزون آن، توسعه پایدار را در معرض خطر قرار خواهد داد. بنابراین تغییرات جوی پیامدهای امنیتی شدیدی به‌دنبال خواهد داشت. به همین دلیل است که انگلستان چنان‌که خواهد آمد بر آن شد تا این مسئله را نزد شورای امنیت مطرح سازد. این کشور، طی نامه خود به این شورا عنوان کرد که جامعه بین‌الملل با مسئله غامض و بغرنجی روبه‌رو است.^{۳۷}

اقتصاد یک کشور باید در راستای تضمین رفاه مردم خویش گام بردارد. اگر دولتی نتواند به این ضرورت دست یابد، توسعه پیدا نخواهد کرد و این مسئله به‌طور بالقوه امنیت آن را به خطر خواهد انداخت. اما این خطرات امنیتی در صورتی هم که دولت‌ها به‌نحو غیرپایدار توسعه پیدا کنند، باز هم گریبان‌گیر آن‌ها خواهد شد. برای نمونه دولت‌ها نوعاً و به‌عنوان یکی از پیامدهای رشد اقتصادی، با نیازهای روزافزون انرژی روبه‌رو هستند و اگر صرفاً بر منابع انرژی مرسوم و متعارف تکیه کنند، حجم انتشار گازهای گلخانه‌ای بالا خواهد رفت و این امر به احتمال زیاد، خود منجر به بروز تأثیرات ناشی از تغییرات جوی خواهد شد. تداوم این آثار نظیر افزایش سطح آب‌ها، بیابان‌زایی و غیره ممکن است خطرات امنیتی بیشتری به‌دنبال داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت تنها راه‌حل در این

۳۵. همان.

36. UN Doc. S/RES/1625 (2005), 14 September 2005, Preamble (Threats to International Peace and Security).

37. Letter dated 5 April 2007 from the Permanent Representative of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland to the United Nations addressed to the President of the Security Council, UN Doc. S/2007/186, 5 April 2007., para. 1.

زمینه، پایدارسازی توسعه است. ارتباط میان پیشگیری از وقوع مخاصمات و ارتقای توسعه پایدار، در نامه انگلستان به شورای امنیت نیز به‌طور کلی قابل ملاحظه است. در این نامه آمده است که متأسفانه همه دولت‌ها نسبت به ارتباط میان امنیت و توسعه که در بحث‌های شورای امنیت قابل رؤیت است، متقاعد نشده‌اند. این رویکرد به همراه ریاست این کشور در شورای امنیت در این زمینه، منجر به پیشبرد این مسئله در دستور کار شورای امنیت شد.

۲-۳. نقش برجسته انگلیس به‌عنوان ریاست شورای امنیت

انگلستان در طول سال‌های اخیر در سیاست‌های جوی چه در بُعد داخلی و چه در بُعد بین‌المللی نقش رهبری را ایفا نموده است.^{۳۸} ایفای چنین نقشی ضمن اینکه در راستای تعهدات این دولت در کاهش انتشار طبق پروتکل کیوتو است،^{۳۹} اصرار این دولت بر طرح مسئله تغییرات جوی در نشست‌های عالی‌رتبه بین‌المللی را نیز توجیه می‌کند. در سال ۲۰۰۵ مسئله تغییرات جوی در نشست گروه هشت که به میزبانی انگلستان در اسکاتلند برگزار شد، از اولویت برخوردار بود^{۴۰} و بنابراین شگفت نیست که این کشور به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و در راستای افزایش مذاکرات پیرامون گرم‌شدن زمین، در طرح این مسئله نزد شورای امنیت پیش‌قدم شود.

در سوم آوریل ۲۰۰۷ با پیشنهاد انگلستان مبنی بر برگزاری مذاکرات علنی در خصوص این مسئله در شورای امنیت موافقت شد و دو روز بعد نماینده دائم این کشور، نامه‌ای را به‌منظور هدایت و مدیریت این مذاکرات به شورا ارسال داشت.^{۴۱} نماینده انگلستان در این نامه که طی آن دامنه مذاکرات شورای امنیت در این زمینه مشخص می‌شد، خاطر نشان ساخت که: «اگرچه اثرات فیزیکی تغییرات جوی و آنچه در خصوص آن‌ها می‌توان انجام داد مسائل مهمی به‌شمار می‌رود، آنچه در این مذاکرات در شورای امنیت مورد توجه است، پیامدهای امنیتی بالقوه آن‌ها است».^{۴۲} در عین حال، این عضو دائم شورای امنیت بر این باور بود که سایر ارگان‌های ملل متحد (به‌ویژه کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات جوی)^{۴۳} نیز می‌توانند سایر جنبه‌های

38. C. Spence, "Who decides? The Role of the United Nations and Security Council in Addressing Climate and Energy Insecurity", in: F. Dodds, A. Higham and R. Sherman (editors), *op. cit.*, p.173.

39. Department for Environment Food and Rural Affairs (DEFRA), "Climate Change: The UK Programme", London 2006, available at <http://www.defra.gov.uk/environment/climatechange/uk/ukccp/index.htm>; and the same Department, "The UK's Fourth National Communication under the United Nations Framework Convention on Climate Change", London 2006, available at <http://unfccc.int/resource/docs/natc/uknc4.pdf>.

40. The Gleneagles Communique, available at http://www.fco.gov.uk/Files/kfile/PostG8_GleneaglesCommunique_0.pdf.

41. Letter dated 5 April 2007 from the Permanent Representative of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland to the United Nations addressed to the President of the Security Council, UN Doc. S/2007/186, 5 April 2007.

42. *Ibid.*, para. 6.

43. United Nations Framework Convention on Climate Change 1992.

تغییرات جوی را که در حیطه وظایف شورای امنیت نیست (از جمله اقدام در جهت تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در یک سطح ایمن، بر مبنای اصل مسئولیت‌های مشترک ولی متفاوت) دنبال کنند.

در واقع انگلستان طی نامه مذکور از شورای امنیت خواست رابطه بین تغییرات جوی و برخی از زمینه‌های بروز درگیری‌ها و مخاصمات نظیر اختلافات مرزی، مهاجرت، امنیت منابع انرژی، کمبود سایر منابع حیاتی، فشار اجتماعی و بحران‌های بشردوستانه را تبیین نماید.^{۴۴} وزیر امور خارجه این کشور نیز در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ خطاب به شورای امنیت اظهار داشت: «مسئولیت ما در این شورا برقراری صلح و امنیت بین‌المللی از جمله جلوگیری از وقوع مخاصمات است. جو ناپایدار، دلایل اصلی مخاصمات نظیر فشارهای مهاجرتی و رقابت برای منابع را افزایش خواهد داد. گزارش اخیر/سترن حاکی از به هم ریختگی اقتصادی بالقوه‌ای است که در مقیاس دو جنگ جهانی و بحران بزرگ اقتصادی (۱۹۲۹-۱۹۳۵) است. این مسئله ناگزیر روی امنیت همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تأثیر خواهد گذاشت».^{۴۵} بسیاری دیگر از دولت‌ها نیز با این ارزیابی موافق بوده و بسیاری از ۵۵ نفر سخنران در این جلسه (از همسایگان اروپایی انگلیس گرفته تا دولت‌های جزیره‌ای کوچک در اقیانوس آرام) اقدامات این کشور در طرح این مسئله و نقش بالقوه شورای امنیت در بررسی تأثیرات امنیتی تغییرات جوی را تصدیق کردند.^{۴۶}

۴-۲. صلاحیت شورای امنیت در بررسی مسئله تغییرات جوی

در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷، نمایندگان ۵۵ کشور در اولین نشست شورای امنیت در خصوص تأثیر تغییرات جوی بر صلح و امنیت بین‌المللی حضور پیدا کردند. در واقع اولین دستاورد این مذاکرات، برگزاری خود این نشست بود زیرا هدف اصلی انگلستان از طرح این بحث در شورای امنیت، افزایش آگاهی کشورهای جهان به این مسئله بود.^{۴۷} برخی در این زمینه بسیار محتاط عمل کرده

۴۴. در این نامه چنین آمده است: «تأثیرات جمعی تغییرات جوی می‌تواند زمینه بروز مخاصمات را افزایش دهد و به‌ویژه این خطر برای دولت‌هایی که از قبل احتمالاً مستعد مخاصمه هستند نظیر آن‌هایی که دارای ضعف حاکمیتی بوده و نمی‌توانند با اتخاذ رویکردهای سیاسی بین منافع متعارض تعدیل ایجاد کنند، بیشتر خواهد بود».

۴۵. M. Beckett, UK Foreign secretary, addressing the United Nations Security Council on 17 April 2007.

۴۶. در سال ۲۰۰۸ نیز نمایندگان دائم دولت‌های در حال توسعه جزیره‌ای در اقیانوس آرام از پیش‌نویس قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد در خصوص اینکه تغییرات جوی، تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل است، حمایت کردند. طبق این قطعنامه اگر مسائل تغییرات جوی مورد بررسی قرار نگیرد منجر به چالش‌های امنیتی شده و جزایر کوچک به دلیل بالا آمدن سطح دریاها از بین خواهد رفت. این قطعنامه، شورای امنیت را ملزم می‌کند که این تهدید امنیتی را ارزیابی و حل نماید:

“Draft General Assembly Resolution on Threats to Climate Change to International Peace and Security to be Discussed”, International Institute for Sustainable Development, New York, 12 August 2008, www.climate-1.org/2008/08/draft-general-a.html

۴۷. *Ibid*, para. 2.

و صریحاً اعلام نمودند که تنها علت موافقت ایشان با طرح این مسئله در شورای امنیت این است که انتظار نمی‌رود این مباحث، نتیجه یا اقدام مستقیمی به دنبال داشته باشد.^{۴۸} همین ملاحظات باعث شد که برخی کشورها بررسی مسئله تغییرات جوی را در صلاحیت شورای امنیت ندانسته و سایر نهادهای سازمان ملل را متولی این امر بدانند.

الف) علت بررسی این مسئله از سوی شورای امنیت

کشورهایی که اساساً با طرح مسئله پیامدهای امنیتی تغییرات جوی در دستور کار شورای امنیت موافق بودند، این مسئله را جزئی از سیاست پیشگیری از وقوع مخاصمات می‌دانستند که خود ابزاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌رود.^{۴۹} در میان این گروه، کشورهای اروپایی، کشورهای جزیره‌ای کوچک و برخی از کشورهای در حال توسعه که به‌نوعی قربانی تغییرات جوی بودند نظیر بنگلادش، حضور داشتند. این کشورها در واقع به تفسیر نسبتاً موسعی از مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی، که پیش از این به آن اشاره شد، قائل بودند. با این حال در میان همین گروه نیز طیفی از رویکردهای متفاوت قابل ملاحظه است. برخی کشورها نظیر انگلستان بر این عقیده بودند که علت اصلی طرح این بحث در شورای امنیت چنان‌که اشاره شد، افزایش توجه و آگاهی جهانی نسبت به مسئله تغییرات جوی است.^{۵۰} این رویکرد در واقع یک رویکرد عملی است که به شورای امنیت اجازه می‌دهد در این مسئله ورود پیدا کند. به نظر می‌رسد اکنون که مسئله تغییرات جوی از ابعاد امنیتی برخوردار شده است، نظرات انگلستان در سطح بین‌المللی و در حوزه مذاکرات تخصصی در این باب، از اهمیت بسزایی برخوردار باشد.

رویکرد دوم در میان کشورهای این گروه مبتنی بر اصل پیشگیری بود. برای نمونه آلمان و فرانسه بر این باور بودند که تغییرات جوی، بخشی از سیاست پیشگیری از مخاصمات است و بنابراین باید در مفهوم موسعی از دیپلماسی پیشگیری مورد بررسی قرار گیرد.^{۵۱} بدین‌سان این کشورها ضمن برداشت موسع از مفهوم امنیت بین‌المللی، خواهان اتخاذ یک رویکرد کلی‌نگر از سوی جامعه بین‌المللی بودند که بر اساس آن، مسئله تغییرات جوی با سایر مسائل امنیتی نظیر فقر، کمبود آب یا بیماری‌های فراگیر، ارتباط مستقیم پیدا می‌کرد.^{۵۲}

اما رویکرد کشورهای جزیره‌ای کوچک که بیش از دیگران نسبت به تغییرات جوی

48. SC/9000, Statement of South Africa, p. 10.

49. SC/9000, Statement of Slovakia, p. 4; SC/9000, Statement of France, p. 7; SC/9000, Statement of Germany, p. 11.

50. SC/9000, Statement of the United Kingdom, p. 10; SC/9000, Statement of Congo, p. 5; SC/9000, Statement of Panama, p. 9.

51. SC/9000, Statement of France, p. 7; SC/9000, Statement of Germany, p. 11.

52. SC/9000, Statement of Germany, p. 11.

آسیب‌پذیر هستند، این بود که این مسئله دارای ابعاد امنیتی آشکاری بوده و شورای امنیت، نه تنها باید آن را در دستور کار خود قرار دهد بلکه باید در اسرع وقت اقدامات مقتضی در این زمینه را بر اساس منشور ملل متحد اتخاذ نماید.^{۵۳} در نهایت، نقشی که شورای امنیت در این زمینه ایفا کرد بیشتر یک نقش توصیه‌ای بود تا یک نقش فعال که البته این مطلب با توجه به تمرکز این شورا بر مسئله پیشگیری در این زمینه و همچنین نحوه برخورد این شورا با تهدیدهای غیرنظامی، قابل توجیه است. در طول این مذاکرات، تغییرات جوی به‌عنوان عامل اولیه در وقوع مخاصمات یا عامل شتاب‌بخش یا تشدیدکننده آن‌ها تلقی شد.^{۵۴} بر این اساس جامعه بین‌المللی باید هرچه در توان دارد در پیشگیری از تهدید غیرنظامی نظیر ایدز یا تغییرات جوی که ممکن است منجر به وقوع مخاصمه فعال شده و تهدید امنیتی در مفهوم سنتی آن را به‌دنبال داشته باشد، به‌کار بندد. در این راستا پیشنهادهای متفاوتی مطرح شد از جمله اینکه یک رایزن زیست‌محیطی در چارچوب شورای امنیت ایجاد شود^{۵۵} که بر اقدامات این شورا در جهت حفظ امنیت محیط‌زیستی نظارت داشته باشد.^{۵۶} دیگر کشورها پیشنهاد کردند که شورای امنیت و دیگر ارکان ملل متحد باید در حل بحران‌های طبیعی^{۵۷} یا مخاصماتی که به‌ویژه بر اثر کمبود منابع طبیعی یا فرسایش محیط‌زیست روی می‌دهد،^{۵۸} مشترکاً اقدام کنند.

ب) مخالفت با طرح مسئله تغییرات جوی در شورای امنیت

دلیل اصلی کشورهایی که با طرح این مسئله در دستور کار شورای امنیت مخالفت می‌کردند این بود که تغییرات جوی، یک مسئله امنیتی نبوده بلکه باید در حوزه توسعه پایدار مطرح شود و بنابراین، این شورا مرجع مناسبی برای بررسی این موضوع نیست.^{۵۹} این استدلال که به‌ویژه از

53. SC/9000, Statement of the Maldives, p. 12; SC/9000, Statement of Papua New Guinea, p. 15; SC/9000, Statement of Tuvalu, pp. 18-19; SC/9000, Statement of the Solomon Islands, p. 20; SC/9000, Statement of the Federated States of Micronesia, p. 25.

54. SC/9000, Statement of the United Kingdom, p.11; SC/9000, Statement of Germany, p.11.

55. SC/9000, Statement of Switzerland, p. 14.

56. SC/9000, Statement of Tuvalu, p. 19.

57. برای نمونه هلند پیشنهاد کرد که شورای امنیت در زمینه حل بحران‌های طبیعی ناشی از تغییرات جوی باید با بانک جهانی همکاری داشته باشد.

SC/9000, Statement of the Netherlands, p. 15.

58. در این زمینه، نروژ به نقش مثبتی که بخش امور سیاسی سازمان ملل می‌تواند در کنار برنامه محیط‌زیست ملل متحد ایفا کند، اشاره داشت.

SC/9000, Statement of Norway, p. 25. See also the proposal in SC/9000, Statement of Liechtenstein, p. 27.

59. برای نمونه نماینده چین اظهار نمود: «تغییرات جوی ممکن است تأثیرات امنیتی داشته باشد اما اصولاً این مسئله مربوط به توسعه پایدار است ... بحث تغییرات جوی در شورای امنیت، در خصوص وضعیت مهاجرت، کمکی به کشورها نکرده و کشورهای در حال توسعه را که تحت تأثیر تغییرات جوی قرار می‌گیرند نیز یاری نمی‌کند تا بتوانند به این تغییرات پاسخ دهند»:

سوی کشورهای درحال توسعه مطرح می‌شد، حاکی از این بود که کشورهای اخیر، برخلاف کشورهای اتحادیه اروپا، قائل به وجود ارتباطی قوی میان توسعه پایدار و امنیت بین‌المللی نبودند. در این گروه، کشورهای درحال توسعه‌ای نظیر چین، هند، آفریقای جنوبی و برزیل به چشم می‌خورند که نسبت به سایر کشورهای درحال توسعه از سطح بالاتری از توسعه‌یافتگی برخوردارند. نمایندگان جنبش عدم تعهد و گروه آفریقایی نیز با ورود شورای امنیت به این موضوع و اتخاذ اقدامات بین‌المللی از سوی آن، مخالف بودند.

توسعه پایدار، مفهومی بود که در چارچوب آن، جامعه بین‌المللی تلاش کرد تا به تراحم دائمی توسعه و محیط‌زیست پایان داده و راه‌حلی را که متضمن پاسخ‌گویی به نیازهای همه طرفین باشد، ارائه نماید. این مفهوم، نخستین بار در کنفرانس جهانی برای محیط‌زیست و توسعه ريو در سال ۱۹۹۲ بررسی شد و شرکت‌کنندگان در کنفرانس بر این امر صحنه گذاشتند که دستیابی به توسعه به هر قیمت و از جمله تخریب محیط‌زیست مردود بوده و کشورها موظف‌اند در مراحل دستیابی به رشد اقتصادی، ملاحظات زیست‌محیطی را به همان میزان مدنظر قرار دهند. سرنوشت مشترک تمامی ساکنین کره خاکی ایجاب می‌کند سیاست‌ها و اقدامات در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌گونه‌ای متوازن، هماهنگ و با جامع‌نگری و ژرف‌اندیشی هرچه بیشتر، همراه باشد.^{۶۰}

باین‌حال در میان این گروه نیز اختلافاتی وجود داشت. برخی از کشورهای درحال توسعه شدیداً با ورود این شورا مخالف بوده و طرح مسئله تغییرات جوی در شورای امنیت را بخشی از سیاست کشورهای توسعه‌یافته تلقی می‌کردند که بستر دخالت شورا در وظایف و مسئولیت‌های سایر ارکان ملل متحد به‌ویژه مجمع عمومی را فراهم می‌آورد.^{۶۱} در میان نظرات مخالف، نظر سفیر پاکستان، فرخ امیل که از سوی گروه ۷۷ کشورهای درحال توسعه سخنرانی نمود، قابل ملاحظه است. وی اظهار داشت: «شورای امنیت، حق ورود به مسائل مربوط به انرژی و تغییرات جوی را ندارد. به نظر وی بهتر است که این موضوعات، از سوی مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و نهادهای وابسته نظیر کمیسیون توسعه پایدار و برنامه محیط‌زیست ملل متحد مورد بررسی قرار گیرد ... ضمن اینکه مسئله تغییرات جوی قبلاً طبق یک موافقت‌نامه چندجانبه الزام‌آور (کنوانسیون چارچوب) قاعده‌مند شده است. لذا نهاد صالح برای بررسی خطرات ناشی از تغییرات جوی، پروتکل کیوتو است نه شورا».^{۶۲} باوجود این، چنان‌که خواهد آمد،

L. Zhenmin, deputy permanent representative of China to the United Nations, speaking to the United Nations Security Council on 17 April 2007.

۶۰. معینی میدی، همان، ص ۲۵۲.

61. SC/9000, Statement of Pakistan, p. 13, SC/9000, Statement of Qatar, p. 15.

62. SC/9000, Statement of Pakistan, p. 14.

سازوکارهای موجود در این زمینه، چندان عملیاتی و پرثمر نبوده است. کشورهای توسعه‌یافته که منشأ اصلی آلودگی‌ها و گازهای گلخانه‌ای در جهان به‌شمار می‌روند به‌رغم تشابه نظرات در خصوص نگرانی از تغییرات جوی، دارای مواضع متفاوتی بوده‌اند. اتحادیه اروپا و کشورهای متحد آن به‌دلیل برخورداری از استانداردهای بالای زیست‌محیطی، خواستار اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر جدی در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند، درحالی‌که آمریکا پذیرش هرگونه تعهد الزام‌آور از سوی خود را منوط به مشارکت متعهدانه کشورهای درحال توسعه‌ای چون هند، چین و برزیل می‌داند. در واقع نتیجه اجلاس کپنهاگ فقط یک بیانیه غیرالزام‌آور سیاسی بود.

این گروه از کشورها همچنین بر این باور بودند که تغییرات جوی، یک مسئله جهانی است و باید در یک مرجع واقعاً جهانی طرح و بررسی شود^{۶۳} و نه در شورای امنیت که ساختار اعضای آن، بسیار تبعیض‌آمیز است. علی‌رغم اینکه انگلستان مدعی است که شورای امنیت به‌دنبال انحصارگرایی در این زمینه نیست، کشورهای درحال توسعه، این ارگان ملل متحد را انحصارطلب‌ترین و غیردموکرات‌ترین ارگان این سازمان می‌دانند.^{۶۴} بنابراین انگیزه‌های انگلیس هرچه باشد، این دیدگاه منفی، اعتماد به شورا را در این زمینه کاهش می‌دهد.^{۶۵} به نظر بسیاری از اعضای گروه ۷۷، شورای امنیت، سنگر انحصاری قدرت است که از سوی پنج عضو دائم آن و در جهت حفظ منافع ایشان مدیریت می‌شود. تنها یکی از این پنج عضو یعنی چین، هنوز کشور درحال توسعه و البته رو به پیشرفت است و چهار عضو دیگر این شورا - فرانسه، روسیه، انگلیس و آمریکا - اشتراکات بسیار کمی با جهان درحال توسعه دارند. بنابراین مسلماً برای کشورهای در حال توسعه بهتر است که این مسئله در دیگر ارگان‌ها - نظیر مجمع عمومی - که همه دولت‌ها در آن نقش دارند بررسی شود. «به نظر بسیاری از کشورهای درحال توسعه، ریاست شورای امنیت، مبنی بر بحث در خصوص ناامنی‌های جوی و انرژی، به‌طور ضمنی دربردارنده پاسخ نابرابر دولت‌های توسعه‌یافته، نظیر آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی یعنی مسئول‌ترین دولت‌ها

63. SC/9000, Statement of China, p. 7, SC/9000, Statement of Venezuela, p. 19.

64. Spence, Chris, *op. cit.*, p.173.

65. در سال‌های اخیر، بحث اصلاح شورای امنیت ملل متحد از طریق توسیع مشارکت از حمایت روزافزونی برخوردار بوده است. اگرچه پنج عضو دائم این شورا می‌توانند دلایل مستحکمی برای ادامه فعالیت خود در این شورا ارائه نمایند، وضع جهانی از سال ۱۹۴۵ یعنی زمان ایجاد این شورا تغییرات چشمگیری داشته است به‌ویژه آنکه کشورهای جدیدی پا به عرصه وجود گذاشته و خواهان نشستن در پشت میز قدرت هستند. اگرچه این گفتار، مجال بررسی تفصیلی این مسائل نیست، شایان ذکر است که تا زمانی که چنین اصلاحی صورت پذیرد، شورای امنیت همواره در مظان اتهام انحصارگرایی خواهد بود. در این راستا توسعه دامنه عضویت و مشارکت کشورهای درحال توسعه در شورا می‌تواند در احیای اعتماد از دست‌رفته این کشورها راه‌گشا باشد. در خصوص مسئله تغییرات جوی - که مسلماً نیازمند راه‌حل جهانی است - این بی‌اعتمادی بیش از پیش جلوه‌گر می‌شود.

در زمینه تغییرات جوی است».^{۶۶}

بدین ترتیب رویکرد این کشورها به مسئله تغییرات جوی به مثابه مسئله‌ای در حوزه توسعه پایدار، باعث شد که مرجع صالح برای رسیدگی به این مسئله را مجمع عمومی، شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد یا کمیسیون ملل متحد در خصوص توسعه پایدار بدانند.^{۶۷} پیشنهاد دیگر این کشورها تقویت رژیم بین‌المللی تغییرات جوی بود. نگرانی آن‌ها از طرح این مسئله در شورای امنیت این بود که این فرایند، راه را برای کشورهای توسعه‌یافته باز خواهد کرد که چنان همیشه قواعد بازی را به دست گیرند^{۶۸} و در نتیجه اصل مسئولیت‌های مشترک ولی متفاوت که گویای ماهیت اصلی تغییرات جوی نخواهد بود، جایگزین اصل مسئولیت مشترک شود.^{۶۹}

در حال حاضر اگرچه غالب کشورهای در حال توسعه، چنین موضعی اتخاذ کرده‌اند، کشورهای نظیر مکزیک و سنگاپور، رویکرد متفاوتی در پیش گرفته‌اند. کشورهای اخیر معتقدند که اگرچه پیامدهای تغییرات جوی در آینده منجر به چالش‌های امنیتی خواهد شد، شورای امنیت نباید به این مسئله بپردازد و بازیگر اصلی در این زمینه مجمع عمومی است.^{۷۰}

رویکرد دیگری که در میان این کشورها قابل ملاحظه بوده و به‌ویژه از سوی ونزوئلا به‌عنوان نماینده منافع کشورهای صادرکننده نفت دنبال می‌شود، این است که انرژی، مسئله‌ای حاکمیتی بوده و جامعه بین‌المللی حق ندارد در خصوص نحوه استفاده کشورها از منابع طبیعی‌شان دخالت نماید.^{۷۱} البته به‌نظر می‌رسد با توجه به پیامدهای فرامرزی استفاده از منابع طبیعی و آسیب‌هایی که برای دیگر کشورها به‌دنبال خواهد داشت، این رویکرد متحجرانه با اصول و قواعد حقوق و روابط بین‌الملل، سازگار نخواهد بود؛ به‌ویژه اینکه اتخاذ چنین رویکردی، چراغ سبزی به کشورهای توسعه‌یافته‌ای خواهد بود که بیش از همه در انتشار گازهای گلخانه‌ای نقش دارند.

با طرح مسئله تغییرات جوی در دستورکار شورای امنیت، این مسئله شکل جدیدی به خود گرفت. این مسئله دیگر یک مسئله محیط‌زیستی یا توسعه‌ای صرف به‌شمار نمی‌رود، بلکه به‌عنوان یک مسئله امنیتی به رسمیت شناخته شده است.^{۷۲} با این حال هنوز هم طرح این مسئله در شورای

66. *Ibid.*

67. شایان ذکر است که پانزدهمین جلسه کمیسیون ملل متحد در خصوص توسعه پایدار در ۱۱ می ۲۰۰۷ خاتمه پیدا کرد. یکی از مسائل مورد بررسی در این جلسه، مسئله تغییرات جوی و انرژی بود. برای ملاحظه خلاصه مذاکرات این نشست، ن.ک:

68. SC/9000, Statement of Egypt, p. 17.

69. نماینده مصر اذعان داشت: «راه درست مبارزه با تغییرات جوی روشن بود: همه طرف‌ها ... باید تعهدات خویش را طبق اصل مسئولیت مشترک ولی متفاوت انجام دهند و نه بر اساس اصل مسئولیت مشترک که برخی کشورها در صدد اثبات آن بودند».

Ibid., p. 17.

70. SC/9000, Statement of Mexico, p. 23, and SC/9000, Statement of Singapore, p. 26.

71. SC/9000, Statement of Venezuela, p. 19.

72. H. Dixon, "Terror in the Weather Forecast", *The New York Times*, 24 April 2007.

امنیت بلامعارض نیست. اختلاف میان کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته در این زمینه قابل ملاحظه است. از دید کشورهای دسته اول، تغییرات جوی از اولویت ملی و داخلی برخوردار نیست. برای نمونه، هند در نشست مذکور در شورای امنیت اظهار داشت: «هیچ چیز در منحنی گازهای گلخانه‌ای کشورهای درحال توسعه، حتی در آینده دور نیز حاکی از وجود تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی نیست. اما اعمال طرح‌های کاهش انتشار از سوی این کشورها، همواره روی روند توسعه آن‌ها تأثیر منفی گذاشته و منجر به افزایش عدم امنیت در آن‌ها می‌شود».^{۷۳} حداقل بهره‌ای که می‌توان از این‌گونه اظهارات کشورهای درحال توسعه داشت این است که آن‌ها نیز در عمل نمی‌توانند رابطه مستقیم بین توسعه پایدار و امنیت را انکار کنند.

آنچه مسلم است اینکه یکی از راه‌های مؤثر در پرکردن فاصله میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه، بهره‌گیری از منابع انرژی قابل تجدید است. همان‌طور که نماینده ایسلند در شورای امنیت اذعان داشت،^{۷۴} کشورهای درحال توسعه با بهره‌گیری از منابع قابل تجدید خواهند توانست ضمن تأمین دسترسی ایمن به انرژی، از منابع خود استفاده کنند. باوجود این، همه کشورهای درحال توسعه نمی‌توانند به‌تنهایی با بهره‌گیری از منابع انرژی قابل تجدید، فرایند توسعه خود را بهبود بخشند.

برگزاری این نشست در شورای امنیت، لزوم توجه کشورها به سازوکارهای محیط‌زیستی معاهداتی و پایبندی به تعهدات بین‌المللی کاهش انتشار و ضرورت تقویت رژیم بین‌المللی آب‌وهوایی را بیشتر نمایان کرد. متأسفانه علی‌رغم ایجاد سازوکارهای پایبندی در پروتکل کیوتو، این نگرانی وجود دارد که ناکارآمدی این سازوکارها در نهایت موجب شود رژیم حاکم بر تغییرات جوی نیز به سرنوشت دیگر رژیم‌های محیط‌زیستی دچار شده و از سطح پایبندی پایینی برخوردار شود. در واقع در همین حوزه است که همکاری شورای امنیت و رژیم بین‌المللی تغییرات جوی، به‌ثمر خواهد نشست. خصیصه اصلی این ارگان ملل متحد، توانایی آن در اعمال تحریم علیه کشورها است یعنی همان ضرورتی که رژیم بین‌المللی تغییرات جوی از آن بی‌بهره است. درعین حال این شورا از مشروعیت لازم برای احراز عدم پایبندی یک کشور به تعهدات زیست‌محیطی‌اش برخوردار نیست. اگر تلقی مسئله تغییرات جوی به‌عنوان یک مسئله امنیتی در آینده افزایش یابد و اگر این مسئله تهدیدی واقعی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شود، بستر لازم برای افزایش ارتباط میان شورای امنیت و کمیته پایبندی پروتکل کیوتو نیز فراهم خواهد آمد.^{۷۵} بدین‌سان، کمیته مذکور، کشوری را که نسبت به تعهدات بین‌المللی خود در حوزه کاهش

73. SC/9000, Statement of India, p. 24.

74. SC/9000, Statement of Iceland, p. 22.

75. برای ملاحظات بیشتر در این خصوص، ن.ک:

انتشار پایبند نباشد تعیین خواهد کرد و شورا نیز اقدامات مقتضی در این زمینه را طبق منشور ملل متحد صورت خواهد داد.^{۷۶} برخی با مفروض دانستن اختیار شورای امنیت در بررسی تغییرات جوی به‌عنوان یک مسئله امنیتی، پیشنهاد کرده‌اند که این شورا یک کمیته فرعی در قالب کمیته امنیتی محیط‌زیستی ایجاد نماید که در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، الزاماتی را بر دولت‌ها تحمیل کند و درعین حال، پایبندی به این تعهدات را تضمین نماید.^{۷۷} باین حال این پیشنهاد با دو ایراد اصلی روبه‌روست. اول اینکه حتی اگر شورای امنیت از اختیار قانونی برای بررسی این مسئله برخوردار باشد، عملاً از مشروعیت لازم برای اتخاذ چنین روشی برخوردار نیست زیرا بر این اساس این شورا همانند موضعی که در خصوص مسئله تروریسم اتخاذ کرده، به‌مثابه قانونگذار عمل خواهد کرد. دیگر آنکه اگر شورای امنیت از اختیار قانونگذاری در ارتباط با تغییرات جوی برخوردار شود، این امر به‌طور تلویحی حاکی از ناکامی و شکست رژیم بین‌المللی تغییرات جوی در دستیابی به اهدافش خواهد بود.

نتیجه

نابودی اقتصاد، عدم ثبات سیاسی، افزایش پناهندگان، ناامنی بین‌المللی و ازبین‌رفتن انسان‌ها نوعاً پیامدهای جنگ است اما اگر تغییرات جوی کنترل نشود، همین پیامدها را به‌دنبال خواهد داشت. مقابله با تغییرات جوی نیازمند تحول گسترده در حوزه‌های مختلف است. به‌منظور کاهش انتشارات، چیزی تقریباً شبیه به انقلاب در حوزه اقتصاد لازم است و در راستای این هدف مشترک، همه بخش‌ها اعم از حمل‌ونقل، انرژی، کشاورزی و سیاست خارجی باید به‌صورت تنگاتنگ عمل کنند.

جامعه بین‌المللی تقریباً به این اجماع رسیده است که بررسی تغییرات جوی مانند سایر سیاست‌های محیط‌زیستی نظیر حفاظت و احیای مناطق زیستی، مدیریت آلودگی‌ها و مواد شیمیایی، باید تقویت شود.^{۷۸} سازمان ملل در راستای همین اجماع، اتخاذ اقدامات فوری برای

Sindico, "Ex-Post and Ex-Ante Approaches to Climate Change Threats to the International Community", *New Zealand Journal of Environmental Law* 2005, pp. 223 ff.

76. A. Knight, "Global Environmental Threats: Can the Security Council Protect Our Earth?", *New York University Law Review*, 2005, p. 1549.

77. C. Penny, "Greening the Security Council: Climate Change as an Emerging Threat to International Peace and Security", *International Environmental Agreements*, 2007, pp. 35.

78. تمهیدات زیست‌محیطی به‌شدت رو به افزایش است. در سال ۲۰۰۷ جامعه پژوهش‌های علمی - سیگما ۱۱ - و بنیاد ملل متحد، گزارش مختصری باعنوان «مقابله با تغییرات جوی: اجتناب از مواردی که قابل مدیریت نیستند و مدیریت مواردی که اجتناب‌ناپذیرند»، منتشر کرد که برای پانزدهمین جلسه کمیسیون ملل متحد در خصوص توسعه پایدار فراهم شده بود. این سند دربردارنده بررسی جامعی از تأثیرات قابل پیش‌بینی و راه‌های بالقوه برای برخورد با این چالش‌ها بود.

کاهش تغییرات جوی احتمالی و نیز ارائه و تحقیق در خصوص حل تغییرات جوی را لازم می‌داند. اما در عمل این اقدامات همواره با موانعی روبه‌رو بوده است. برای مثال کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات جوی و پروتکل کیوتو، که سکویی برای اقدامات جهانی در این زمینه به‌شمار می‌رود، تا حد زیادی به‌دلیل مخالفت آمریکا نسبت به کاهش اجباری انتشار، که در ضمیمه اول پروتکل کیوتو مقرر شده، با مانع روبه‌رو شده‌اند.

افزایش دامنه تغییرات جوی در دهه‌های آتی، منجر به افزایش احتمال وقوع مخاطماتی می‌شود که نه‌تنها روی کشورها به‌صورت فردی و منطقه‌ای، بلکه روی کل نظام حاکمیت جهانی تأثیر خواهند گذاشت. نظام حاکمیت جهانی نیز تنها در صورتی توان مقابله با این خطرات احتمالی را خواهد داشت که پذیرای تغییر در ساختار و سیاست‌های خود باشد.

از آنجاکه خطرات امنیتی جوی در قرن ۲۱ ویژگی‌های خاص خود را دارد، کاهش آن از طریق مداخلات نظامی کلاسیک و سنتی دشوار خواهد بود. اما یک سیاست هوشمند حاکمیت جهانی که قادر باشد این خطرات جدید امنیتی را کاهش دهد، بدو باید دربردارنده سیاست جوی کارآمد باشد تا بتواند خطمشی امنیتی بازدارنده را در دهه‌های آتی مدیریت کند.

در سطح بین‌المللی برای خودداری از بروز مخاطمات، تمرکز علاوه‌بر توسعه سازوکار جبران خسارت برای کشورهای زیان‌دیده، سیاست مهاجرت جهانی و تمهیدات مربوط به ثبات اقتصاد جهانی، باید روی دیپلماسی جهانی نیز باشد. فرصت‌های استقرار یک حاکمیت جهانی مترقی و کارآمد با افزایش گرمای جهانی، کمتر و کمتر شده و گویای دور منطقی باطل است؛ به این معنی که تنها از طریق همکاری بین‌المللی می‌توان با تغییرات جوی مقابله کرد اما با افزایش این تغییرات از بستر مناسب برای همکاری‌های چندجانبه و سازنده کاسته خواهد شد. بدین ترتیب تغییرات جوی، چالش‌هایی را برای امنیت بین‌المللی ایجاد می‌نماید و درعین حال سیاست‌های امنیتی نظامی و سنتی موجود، قادر به ایجاد و ارائه همکاری‌های لازم برای مقابله با بحران‌های جوی محتمل‌الوقوع نیست.

علی‌رغم مخالفت برخی کشورها، شدت پیامدهای تغییرات جوی منجر به طرح این مسئله به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی، در دستور کار شورای امنیت قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد درعین حال که شورای امنیت به بحث تغییرات جوی و مسائل مربوط به ثبات و امنیت جوی می‌پردازد، تمرکز اولیه دیپلمات‌ها در آینده باید متوجه مذاکرات مربوط به کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات جوی و پروتکل کیوتو باشد.

منابع:

- فارسی

- امیدوارنیا، محمدجواد، امنیت در قرن بیست و یکم، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۸۱.
- بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده راهبردی، ۱۳۷۸.
- رابینسون، مری، «تغییرات جوی و نقض حقوق بشر»، مجله سیاحت غرب، ش ۷۰، ۱۳۸۸.
- رومی، فرشاد، «امنیت نظام بین‌الملل در پرتو تغییرات آب و هوایی»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳، ۱۳۸۷.
- کاظمی‌زاد، مظفر، «تغییرات آب‌وهوایی و سلامت انسان»، مجله رشد (آموزش زمین‌شناسی)، ش ۱، ۱۳۸۷.
- معینی‌مبیدی، حسین، «توسعه و محیط‌زیست: محوری جدید در تبیین معادلات سیاسی بین‌المللی»، در: محمدجواد ظریف و مصطفی زهرانی، روندهای جدید بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.

- لاتین

- Beckett, M., UK Foreign secretary, addressing the United Nations Security Council on 17 April 2007.
- Broder, J. M., (2010-12-11). "Climate Talks End with Modest Deal on Emissions", *New York Times*.
- Campbell, K. M. & Weitz, R., "Conclusion: The Clear Implications of Global Climate Change", in: Campbell, K. M. (editor), "*Climatic Cataclysm: The Foreign Policy and National Security Implications of Climate Change*".
- Department for Environment Food and Rural Affairs (DEFRA), "*Climate Change: The UK Programme*", London 2006; and the same Department, *The UK's Fourth National Communication under the United Nations Framework Convention on Climate Change*, London 2006.
- Diehl/Gleditsch (eds.), "*Environmental Conflict*", Boulder 2001; Dixon, H., "*Environment, Scarcity and Violence*", Princeton 1999; Barnett, "*The Meaning of Environmental Security*", Zed Books 2001.
- Stavros, D., "European Union Response to the Challenge", in: Dodds, F., Higham, A., and Sherman, R., (editors), "*Climate Change and Energy Insecurity: The Challenge for Peace, Security and Development*", Earthscan, 2009.
- A. Doyle, (2010-12-17). "Analysis: Climate talks: 18 years, Too Little

Action?" *Reuters*.

- "Draft General Assembly Resolution on Threats to Climate Change to International Peace and Security to be Discussed", International Institute for Sustainable Development, New York, 12 August 2008.
- Earth Negotiations Bulletin, Summary of the Bangkok Climate Talks: 3-8 April 2011, vol. 12 No. 499, Published by the International Institute for Sustainable Development (IISD), 11 April 2011.
- *Loibl, G.*, "Environmental Law and *Non-Compliance* Procedures: Issues of State Responsibility", in Fitzmaurice and Sarooshi (eds.), "*Issues of State Responsibility Before International Judicial Institutions*" (Oxford: Hart, 2004).
- "*High-Level Panel on Threats, Challenges and Change, A More Secure World: Our Shared Responsibility*", New York 2004, Part B, Synopsis.
- Dixon, H., "Terror in the Weather Forecast", *The New York Times*, 24 April 2007.
- Hilary, H., A Life Cycle Assessment Study Outcomes of Bonn UNFCCC Climate Change Conference: Prospect for agreement in Durban (An IISD Commentary), June 2011. H. M. Osofsky, "Is Climate Change "International": Litigation's Diagonal Regulatory Role", *49 Virginia Journal of International Law*, 2009.
- Austin, I., "Canada Announces Goals for Reducing Emissions", *New York Times*, April 27, 2007.
- Kimble, M., "Climate Risks and Security", in: Felix Dodds, Andrew Higham and Richard Sherman (editors), "*Climate Change and Energy Insecurity: The Challenge for Peace, Security and Development*", Earthscan, 2009.
- Knight A., "Global Environmental Threats: Can the Security Council Protect Our Earth?", *New York University Law Review*, 2008.
- L. Allen, "Will Tuvalu Disappear Beneath the Sea? Global Warming Threatens to Swamp a Small Island Nation", *Smithsonian magazine*, Aug. 1, 2004.
- Letter dated 5 April 2007 from the Permanent Representative of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland to the United Nations addressed to the President of the Security Council, UN Doc. S/2007/186, 5 April 2007., para. 1.
- NOVA, "Dimming the Sun", A DOX Production for NOVA/WGBH and BBC, WGBH Educational Foundation, April 2006.
- Penny C., "Greening the Security Council: Climate Change as an Emerging Threat to International Peace and Security", *International Environmental Agreements*, 2007.
- Sindico, "Ex-Post and Ex-Ante Approaches to Climate Change Threats to the International Community", *New Zealand Journal of Environmental*

Law, 2005.

- Spence, Chris, “Who decides? The Role of the United Nations and Security Council in Addressing Climate and Energy Insecurity”, in: Dodds, F., Higham, A., and Sherman R., (editors), “*Climate Change and Energy Insecurity: The Challenge for Peace, Security and Development*”, Earthscan, 2009.
- Stephens, T., “International Courts and Climate Change: Progression, Regression and Administration, in: Lyster, Rosemary (ed.), *Revealing in the Wilds of Climate Change Law*, Australian Academic Press.
- Strauss, A., “Climate Change Litigation: Opening the Door to the International Court of Justice”, in: Burns W. C. G., & Osofsky, H. M., “*Adjudicating Climate Change: State, National, and International Approaches*”, Cambridge University Press, 2009.
- The IPCC Working Group Contribution to the Fourth Assessment Report. Climate Change 2007: “Climate Change Impacts, Adaptation and Vulnerability”, Summary for Policymakers, 6 April 2007.
- The Responsibility of the Security Council in the Maintenance of International Peace and Security: HIV/AIDS and International Peacekeeping Operations, UN Doc. S/PV.4172, 17 July 2000, and The Situation in Africa: The Impact of AIDS on Peace and Security in Africa, UN Doc. S/PV.4087, 10 January 2000.
- Allee T. L., & Huth, P. K., “Legitimizing Dispute Settlement: International Legal Rulings as Domestic Political Cover”, 100 *American Political Science Review*, 2006.
- UN Doc. S/23500, UN SCOR, 3046th Meeting, 1992.
- UN Doc. S/RES/1625 (2005), 14 September 2005, Preamble (Threats to International Peace and Security).
- UN Doc. UN/S/RES/1318(2000), 7 September 2000 (On Ensuring an Effective Role for the Security Council in the Maintenance of International Peace and Security, particularly in Africa).
- UNDP, “Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security”, Oxford 1994.
- United Nations Foundation and Sigma XI, “Confronting Climate Change: Avoiding the Unmanageable and Managing the Unavoidable”, Scientific Expert Group Report on Climate Change and Sustainable Development, Prepared for the 15th UN Commission on Sustainable Development, UNF, Washington, DC., 2007.
- Vidal, J., (2010-12-13) “Does the Cancún Agreement Show Climate Leadership?” *The Guardian* (London).

- سایت‌های مورد استفاده

- http://reports.eea.europa.eu/eea_report_2006_9/en/eea_report_9_2006.pdf.
- <http://www.eea.europa.eu/pressroom/newsreleases/ghgtrends2006-en>.
- <http://cait.wri.org/cait.php?page=yearly>.
- http://whc.unesco.org/download.cfm?id_document=6728.
- http://whc.unesco.org/download.cfm?id_document=5941
- http://www.iisd.org/pdf/2011/outcomes_bonn_unfccc_durban.pdf
- <http://www.iisd.ca/download/pdf/enb12499e.pdf>
- <http://unfccc.int/resource/docs/2009/awg10/eng/17.pdf>
- [http://unfccc.int/meetings/cop_15/copenhagen_accord/items/5264.php\(developed countries\)](http://unfccc.int/meetings/cop_15/copenhagen_accord/items/5264.php(developed%20countries))
- [http://unfccc.int/meetings/cop_15/copenhagen_accord/items/5265.php\(developing countries\)](http://unfccc.int/meetings/cop_15/copenhagen_accord/items/5265.php(developing%20countries))
- <http://www.nytimes.com/2010/12/12/science/earth/12climate.html>.
- <http://www.guardian.co.uk/environment/2010/dec/13/climate-leadership-cancun>.
- <http://www.reuters.com/article/idUSTRE6BB0DS20101212>.
- <http://unfccc.int/meetings/awg/items/5928.php>
- www.climate-l.org/2008/08/draft-general-a.html
- <http://www.un.org/News/Press/docs/2007/sc900o.doc.htm>
- <http://www.ipcc.ch/SPM13apr07.pdf>
- www.fco.gov.uk/Files/kfile/PostG8_GleneaglesCommunique,0.pdf.
- <http://www.defra.gov.uk/environment/climatechange/uk/ukccp/index.htm>
- <http://unfccc.int/resource/docs/natc/uknc4.pdf>.